

دین و دنیا

دستورها صحی اسلام - پرهیز کن از دوا تاهنگامیکه بدن تپ تحمل درد را دارد

بیان - علم طب تا کنون ادوار مختلفه را پیموده و اکنون هم در این باب عقاید گوناگونی دیده میشود ولی آنچه که مشهور است دوجیز است یکی معالجه با و سائل طبیعی و دیگر معالجه با دوا های مصنوعی یا شیمیائی - اما پیروان عقیده اول گویند که در این دواهای کنونی هیچ اثری نیست و اگر هم مریضی دیدیم که پس از استعمال این دواها شفا یافته بواسطه قوه ایست که در طبیعت است که هر وقت مزاج از حالت طبیعی بیرون رفت آن قوه در اصلاح مزاج میکوشد

چنانکه بسیار دیده اید که کسی مریض میشود یا بر بدن او جراحی میرسد و طبیعت به تنهایی او را بحال طبیعی بر میگردد و اگر هم طبیعت بتنهائی نتوانست باید با اسباب طبیعی مانند آب و آفتاب و غذا با طبیعت کمک کنیم اینان چیزها که از طب معمولی قبول دارند تنها فن جراحی است که گویند در فائده و نتیجه آن شککی نیست

این عقیده اگر عملی شود بسیار بموقع است ولی ما بینیم که طبیعت در مقابل بسیاری از امراض عاجز است و اسباب طبیعی هم برای معالجه کلیه امراض در دست رس ما نیست - گذشته از اینکه دواهای معموله کنونی گرچه زیان بسیار دارد ولی برای معالجه بسیاری از امراض چنانکه می بینیم بی نتیجه نیست

اما پیروان عقیده دوم گویند که هر کسی باید مراعات دستورهای صحی را بنماید و اگر مراعات نکرد و مریض شد باید متوسل بهمین دواهای مصنوعی گردد - این عقیده را هم مطلقاً نمیتوان درست دانست زیرا دوا مخصوصاً این دواهای امروز بیشتر بلکه همه آنها سم و دارای ضررهای بسیاری است و اگر هم مریضی را معالجه کند در عوض ضررهای دیگری رساند پس بهترین دستورها همین است که امام جعفر صادق (ع) میدهد که (دوارا وقتی باید خورد که بدن تپ مقاومت بامرض را نداشته باشد) زیرا جلوگیری سخت تر بسخت (معالجه اشد بشدید) فانون عقلاست - پس این کار خطاست که هر کس تا درد سری بگیرد یا کمترین سستی یا سوء هضم پیدا کند فوراً متوسل باین دواهای مخدر یا منجرک شود بلی

اینها تاثیر دارد ولی تاثیرش بیشتر موقتی است مثلا دوی مخدر کارش این است که اعصاب را بی حس میکند و باین جهت احساس درد نمیشود ولی بیمار گمان میکند که درد خوب شده. یادوهای مقوی و محرک کارش اینست که موقتا اعصاب وقوی را تحریک میکند و پس از تحریک بحالت اول بر گردد بلکه بیشتر خسته شود بعبارت دیگر این دواها برای اجزاء (سلول) بدن مانند تازیانه است که آنها را وادار بکار و حرکت میکند نه اینکه چیزی بر قوه آنها بیافزاید

چونکه اینموضوع محتاج بتوضیح و بیان بیشتری است بهتر این است که مقاله استاد اسکندر را که جامع اقوال بزرگان طبابت و مجله العرفان از الحارس بیروت نقل نموده در اینجا ترجمه نمائیم

دوای شیمیائی کنونی

مردم شقای مریض را از طبیب میدانند و این خطاست بلکه باید شقای مریض را از قوه مزاج دانست که بمرض غالب میشود (دکتر کارلس باوز) بهمان مقداری که اعتماد اطباء عقیده مند به پرهیز ببقیده شان بیشتر میشود بهمان اندازه عقیده اطباء باین دوا های شیمیائی امروز کم میگردد هر اندازه که تجربه طبیب حاذق در تجربه زیاد گردد بهمان اندازه اعتمادش باین دواها کم میگردد

طبیب شهیر دکتر دیمولان در هنگام وفات باطباء خود وصیت کرد که من میروم و سه طبیب بزرگ برای شما میگذارم و آنها آب است و پرهیز و ورزش پس فواید بزرگی که باین دواها نسبت میدهند بیشترش مبنی بر خیال است دکتر راول بلوندل گفته (تاکنون در طب دوائی پیدا نشده برای يك مرضی که او را در هر وقت سودمند باشد یا برای همه کس مفید باشد) دوی شیمیائی اگر در وقتی از راهی برای مریض سودمند باشد می بینیم که زیادهای بسیار در برابر دارد - بلی شکی نیست که دواهای بسیار است که برای علاج مفید است ولی همان دواها اثرهای بدی در بدن بیادگار میگذارند

دکتر غرانشتاین که از اطباء بزرگ آلمان است گوید (این ضعف - ها باقسام مختلفه اش که در شمار نیاید نتیجه معالجه همین دوا های کنونی است دوا اگر بمرض غالب گردد با اثر سوئی از خود گذارد که دیر یا زود اثرش نمودار شود از آن زمان که این دواهای شیمیائی باقسام مختلفه اش مانند جیوه و روح و زرنیخ و مانند آنها در طب وارد شد ضعف و سستی بصورت اسف آوری زیاد شده که از پدرها بفرزندان منتقل میشود)